

## حج؛ عرصه همگرایی و واگرایی حسنیان و عباسیان

(از اواخر عهد اموی تا پایان اولین دوره قیام‌های حسنی)

لیلا نجفیان رضوی<sup>۱</sup>

### چکیده

مناسک حج در آیین اسلام، فرصتی بی‌بديل برای ترکیه نفس انسان‌ها، مایه ایجاد وحدت در امت اسلامی و اثرات سازنده‌ی شمار دیگر است. این فریضه دینی که پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اهل‌بیت ﷺ بر انجام آن تأکیدی ویژه داشتند، در زمانی کوتاه‌پس از درگذشت رسول خدا ﷺ به ابزاری برای جهت‌دهی به اهداف سیاسی حاکمیت و نیز مخالفان آن تبدیل شد. تناقض رویکرد عامه مسلمانان به حج، با آن‌چه هدف طبقه حاکم و گروه‌های رقیب آن از حج‌گزاری در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام بوده، برای پژوهشگران حوزه تاریخ، مسئله‌ای تأمل‌برانگیز است. با توجه به خیزش حسنیان و عباسیان برای کسب قدرت از اواخر خلافت امویان و امکان بهره‌وری آنها از موسم حج در جهت پیشبرد اهدافشان، پژوهش حاضر بر آن است که به روش توصیفی - تحلیلی، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که شیوه‌های بهره‌گیری عباسیان و حسنیان، از اواخر دوره اموی تا پایان اولین دوره قیام‌های سادات حسنی، از موسم حج چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله آن است که در اواخر دوره مروانی، موسم حج فرصتی برای دیدار، تجدید پیمان و برنامه‌ریزی علیه حاکمیت (عرصه همگرایی دو طیف اقتدارطلب) بود؛ اما پس از روی کار آمدن عباسیان، به ابزاری برای کنترل فعالیت‌های سیاسی سادات حسنی از سوی حاکمیت و اختتام فرصتی برای رازگشایی سیاست انحرافی عباسیان و حتی تمايل به حذف آنان از سوی هواداران حسنیان (واگرایی دو طیف رقیب) بدل شد.

### واژگان کلیدی

садات حسنی، عباسیان، موسم حج، همگرایی، واگرایی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد. najafian@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۶

## مقدمه

اختصاص آیاتی از قرآن کریم به حج و ابعاد مختلف آن و نیز فراوانی روایات از پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> و ائمه<sup>علیهم السلام</sup> درخصوص این فرضیه الهی، حاکی از آن است که تأکید بر انجام این مناسک عبادی در آیین اسلام با اهدافی فراتر از آثار معنوی آن بر اجتماع و فرد فرد مسلمانان همراه بوده است. گسترش توحید و یکتاپرستی، بی‌رنگ شدن جایگاه دنیوی افراد و ایجاد وحدت در امت اسلامی، بخشی کوچک از آثار این مناسک ویژه به شمار می‌آید. وجهی دیگر از این امر که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، دستاوردهای اقتصادی است که برای ساکنان شبه جزیره عربستان و حج گزاران به همراه داشته است. بنابراین، موسم حج در طول تاریخ، فرصتی بی‌بدیل برای اجتماع مسلمانان جهان اسلام بوده است.

با ایجاد چرخشی در زاویه دید و با مروری بر تاریخ، می‌توان به این نکته نیز پی‌برد که این عبادت جمعی و مناسک دینی، به شکلی وسیع مورد بهره‌برداری سیاسی قرار می‌گرفته است. حج در قرون نخستین اسلامی، حکم رسانه‌ای جمعی را داشته است که حاجیان دورترین نقاط سرزمین‌های اسلامی را با مسائل روز جهان اسلام و دغدغه‌های حاکمیت آشنا می‌کرده است. علاوه بر آن، این امکان را برای آنها فراهم می‌آورده است که به کنترل تحرکات و خبرگیری و ارزیابی از عملکرد مخالفان خود بپردازند. البته بهره‌برداری از این مناسک به طبقه حاکم محدود نمی‌شده است و جریان‌های فکری- مذهبی، اصحاب فرق گوناگون، مخالفان تندریوی حکومت و نیز علوبیان، که از جایگاهی ویژه در میان مردم برخوردار بوده‌اند، نیز این ایام را فرصتی مناسب برای ارائه دیدگاه‌های خود، دیدار با رهبران مذهبی و افراد تأثیرگذار- برای جذب حامیان بیشتر- و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آمال خود می‌دانسته‌اند.

از میان هاشمیان، بنی عباس و سادات حسنی<sup>۱</sup>، دو گروه برجسته‌ای بوده‌اند که رقابت

۱. خیزش سادات حسنی- اعقاب امام حسن<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> از حسن مثنی- برای کسب قدرت با قبول رهبری معنوی قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث از سوی حسن مثنی آغاز می‌شود (ابوالعباس حسنی و احمد بن ابراهیم، ۳۸۰). این تغییر رویه در برخورد با طبقه حاکم در کنار افزایش تدریجی دعاوی و مناظرات حسینیان با ائمه<sup>علیهم السلام</sup> و حتی شاگردان آنها درخصوص رهبری مسلمانان، فاصله‌گیری تدریجی سادات حسنی خواهان قدرت از





برای دستیابی به قدرت را از نیمة نخست قرن دوم هجری آغاز کرده‌اند. این امر با رسیدن مقام خلافت به عباسیان از یکسو و تشکیل حکومت‌های کوچک و بزرگ توسط سادات حسنی در شرق و غرب جهان اسلام و سلطه آنان بر حرمین شریفین از سوی دیگر، برای قرون متتمادی ادامه یافته است. تنافض مطرح شده درخصوص آنچه عامه مسلمانان از حج با رویکردی دینی انتظار داشته‌اند، با آنچه از سوی حاکمیت و گروه‌های رقیب (اهداف سیاسی) به عنوان یکی از اهداف برجسته حج در نظر گرفته می‌شده است، این مسئله را در ذهن ایجاد می‌کند که حج گزاری و موسوم حج در مناسبات عباسیان و سادات حسنی، در دوره پایانی خلافت اموی<sup>۱</sup> تا اتمام اولین قیام‌های حسنی چه جایگاهی داشته است؟

در مقاله حاضر، کوشش شده است تا پاسخ به این مسئله، با طرح این پرسش پی‌گیری شود که در بازه زمانی سال‌های آخر حکومت مروانیان، تا اتمام اولین دوره قیام‌های حسینیان، شیوه‌های بهره‌گیری بنی عباس و سادات حسنی<sup>۲</sup> از موسوم حج چگونه بوده است؟ نویسنده مقاله بر این باور است که در اواخر دوره مروانی، بهره‌گیری عباسیان و حسینیان از موسوم حج، بیشتر معطوف به برنامه‌ریزی، تحکیم پیمان‌های گذشته و جذب حامی بوده است. (همگرایی دو طیف اقتدارطلب) اما با قدرت‌یابی عباسیان و کوشش آنها برای ثبت قدرت خود، حج به فرصتی مغتنم برای کنترل فعالیتها و اعمال فشار بر حسینیان از یکسو و رازگشایی سیاست انحرافی عباسیان و حتی تمایل به حذف آنان از سوی هواداران حسینیان (واگرایی دو طیف رقیب) تبدیل شده است.

به رغم پژوهش‌های فراوانی که با محوریت ابعاد مختلف حج به رشتۀ تحریر درآمده

ائمه علیهم السلام را در ابعاد سیاسی به دنبال دارد. اوج این انگلکاک سیاسی را می‌توان در دوره امامت امام صادق علیه السلام دانست؛ دورانی که قیام محمدبن عبدالله و برادرش ابراهیم اتفاق می‌افتد و با درخواست این دو برادر حسنه برای همراهی امام با ایشان همراه است (برای کسب اطلاعات بیشتر، نک: نجفیان رضوی، «بررسی چگونگی مناسبات حسینیان و امامان شیعه علیهم السلام تا سال ۱۴۵ هجری قمری»، ۱۴۹-۱۴۷).

۱. منظور از عبارت «واخر دوره امویان»، از مرگ ولیدبن یزید تا پایان حکومت امویان در سال ۱۳۲ هـ است. در این دوره، فعالیت‌های سیاسی مخالفان حاکمیت بیشتر شده است.

۲. منظور از سادات حسنی در این مقاله، اعقاب امام حسن مجتبی علیهم السلام مثنی هستند.

است، درخصوص مسئله مقاله حاضر، پیشینه‌ای وجود ندارد. در این تحقیق ابتدا به شیوه‌های بهره‌گیری حسینیان و بنی عباس از موسم حج در دوره اموی توجه شده است و سپس کوشش شده تا در دو بخش مجزا، نحوه استفاده عباسیان و کارگزاران آنها و نیز سادات حسینی از موسم حج تا پایان اولین دوره قیام‌های حسینیان مورد بررسی قرار گیرد.

### الف) همگرایی و تلاش برای تحکیم و توسعه روابط

بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب موسم حج برای ایجاد همگرایی هرچه بیشتر در جامعه اسلامی، یکی از اهداف مهم حاکمان و رهبران اجتماعی در ادوار مختلف تاریخی بوده و دوره مورد بحث نیز از این امر مستثنی نیست. اگرچه مراجعه به منابع و داده‌های باقیمانده، اطلاعات اندکی را درخصوص شیوه‌های بهره‌گیری حسینیان و بزرگان عباسی از این ایام در اختیار پژوهندۀ قرار داده و گاه گزارش‌های نقل شده به یک خبر ختم می‌شود؛ اما داده‌های محدود موجود نیز این امکان را فراهم می‌آورند تا بهره‌گیری این گروه‌های رقیب از ایام حج را در قالب دو عنوان مستقل مورد بررسی قرار دهیم: «حج؛ دیدار، برنامه‌ریزی و تحکیم پیمان‌ها» و «موسم حج و کوشش در جهت جذب حامیان بیشتر».

#### ۱. حج؛ دیدار، برنامه‌ریزی و تحکیم پیمان‌ها

بسیاری از مؤلفان قرون متقدم اسلامی، در بیان اخبار وقایع پس از قتل ولید بن یزید در سال ۱۲۶ ه.ق، به نشستی با حضور بزرگان هاشمی اشاره کرده‌اند (بلادری، ۳۰۶/۳؛ اصفهانی، مقاتل الطالبين، ۲۲۷-۲۲۴ و ۱۸۶-۱۸۵؛ مجھول المؤلّف، العيون والحدائق فی اخبار الحقایق، ۲۳۱/۳؛ شیخ مفید، ۱۹۱/۲). مؤلفان بعدی نیز به تبع آنان به این نشست اشاراتی داشته‌اند (ابن طقطقی، الفخری فی آداب السلطانیه والدول الاسلامیه، ۱۶۴-۱۶۵؛ راوندی، ۷۶۵/۲-۷۶۶؛ ابن عنبه، ۱۰۴) و محققان معاصر نیز در آثار خود درخصوص ابعاد مختلف این نشست، اظهار نظرهای متفاوتی نموده‌اند (الوجیه، ۹۱۸؛ شامی، ۱۱۳؛ حسن، ۱۰۷/۲؛ الغریری، ۵۲۹-۵۳۰؛ النجم، ۱۹۹-۲۰۱؛ الساعدي، ۶۶؛ فوزی، ۱۰۶؛ المسند، ۷۷-۸۰). برخی محل برگزاری این گردهمایی را ابواء-آبادی‌ای



از توابع مدینه و بر سر راه مدینه به مکه (حموی، ۷۹/۱)- نقل کرده‌اند و برخی دیگر بدون ذکر محل این نشست، به محتوا و هدف آن اشاره نموده‌اند. با توجه به سه نکته، یعنی حضور بزرگان عباسی،<sup>۱</sup> سادات حسنی و حامیان آنها<sup>۲</sup> در این نشست و همچنین وجود گزارش‌هایی مبنی بر دعوت از امام صادق علیه السلام برای شرکت در این گردهمایی؛ پراکندگی محل سکونت این افراد، (حضور علویان در مدینه و عباسیان در حمیمه شام)؛ و نامی که این گردهمایی با آن مشهور شده است (بیعت ابواء)، می‌توان این احتمال را پذیرفت که این نشست در ایام حج و در نزدیکی مدینه (ابواء) انجام شده است. از آنجا که بنا بر گزارش‌های موجود، این گردهمایی در زمانی صورت گرفته است که مدت‌ها از آغاز دعوت سری عباسیان و نیز تبلیغات عبدالله محض برای فرزندش محمد می‌گذشته است، به نظر می‌رسد که حضور در این نشست از سوی عباسیان با هدف انحراف توجه امویان از فعالیت‌های شان؛ و حضور سادات حسنی با هدف بیعت گرفتن برای محمد بن عبدالله - به عنوان رهبر فعالیت‌های هاشمیان - بوده است (نجفیان رضوی، حیات سیاسی حسینیان تا سال ۱۴۵ هجری، ۱۱۵-۱۲۸؛ الهیزاده، ۱۰۱-۱۱۴). صرف‌نظر از اهداف این نشست، گزارش‌های موجود درخصوص نفس وجود چنین مجالسی در ضمن حج گزاری، نشان‌دهنده فعالیت گروه‌های مخالف با حاکمیت در موسم حج، برای برنامه‌ریزی در جهت تحقق آرمان‌های شان است. وجود گزارش‌هایی دیگر از اوآخر دوره امویان، حاکی از آن است که نشست‌های بزرگان هاشمی در ایام حج منحصر به نشست ابواء نبوده و حج فرصتی مناسب برای تجدید دیدار و تأکید بر پیمان‌های گذشته بوده است. گزارش موجود در کتاب «أخبار الدوله العباسية»، به صراحة به نشست دیگر این بزرگان در دوران خلافت مروان بن محمد، در سال ۱۲۹ ه.ق در مکه اشاره دارد (مجھول المؤلف، اخبار الدوله العباسیه، ۳۸۵)، که بدون رسیدن به تصمیمی مشخص، پایان یافته است (همو، ۳۸۵-۳۸۶).

۱. ابوالعباس (سفاح)، ابراهیم امام، عبدالله بن محمد (منصور)، صالح بن علی بن عبدالله بن عباس و برادرش عبدالصمد در این نشست حضور داشته‌اند (اصفهانی، مقاتل الطالبین، ۱۸۶-۱۸۵ و ۲۲۴-۲۲۶).

۲. علاوه بر عبدالله محض و دو پسرش محمد و ابراهیم، محمد بن عبدالله عثمانی نیز در این نشست حضور داشته است (همو، ۱۸۵؛ مفید، ۱۹۱/۲).

۳۸۶؛ اصفهانی، مقاتل الطالبین، ۲۲۷).

اما شواهد حاکی از آن است که هاشمیان نشست‌های دیگری نیز در موسم حج داشته‌اند و در آنها بر بیعت‌های گذشته تأکید می‌شده است. برای نمونه، طبری در خبری به نقل از محمدبن عبدالله محض آورده است که در زمان آشفتگی کار بنی مروان، بنی هاشم شبانگاه برای بیعت با یکی از بزرگان خود در مکه نشستی مشورتی تشکیل دادند. ابو جعفر نیز از جمله کسانی بود که در آن جمع حاضر بود و با من برای این امر بیعت کرد (طبری، ۵۱۷/۷؛ مسکویه رازی، ۳۷۹/۳). یزیدبن محمد ازدی در «تاریخ موصل» نیز گفت و گوی منصور را با عثمان بن محمدبن زبیر، پس از سرکوبی قیام محمد و دستگیری او - که از اصحاب برجسته نفس زکیه بود - شرح داده است. وی اعتراض منصور به خروجش با محمد را این‌گونه پاسخ داده است که من و تو در مکه با محمد بیعت کردیم. تو به عهد خود وفا نکردی؛ ولی من وفا کردم (ازدی، ۱۹۰). افزون بر روایات فوق، اصفهانی نیز در خبری از عبدالله جهنی آورده است که ابو جعفر منصور دوانیقی، دوبار با محمدبن عبدالله بیعت کرده است که یکی از آنها در مکه و در مسجدالحرام بوده است (اصفهانی، مقاتل الطالبین، ۱۸۸).

با مروری بر گزارش‌های موجود در منابع، می‌توان دریافت که گرددۀ مایی بزرگ حج گزاران، این امکان را نیز برای مخالفان طبقه حاکم فراهم می‌آورده است که علاوه بر دیدار با رهبران خود، گزارشی از فعالیت‌های خود و میزان گسترش احتمالی آن را به ایشان عرضه نموده و اسمای بیعت‌کنندگان یا حمایت‌های مالی هواداران را به آنها برسانند. روایات موجود در کتاب اخبار الدوله العباسیه و مقاتل الطالبین، بیانگر این نکته هستند که در حج سال ۱۲۹ ه.ق، علاوه بر آن که اخبار بیعت خراسانیان به ابراهیم امام رسیده (مجھول المؤلف، اخبار الدوله العباسیه، ۳۸۶؛ اصفهانی، مقاتل الطالبین، ۲۲۷)، اموالی نیز از خراسان توسط قحطبه برای او آورده شده است (مجھول المؤلف، همو، ۳۸۷-۳۸۸). نکته حائز اهمیتی که در ادامه این گزارش‌ها آمده، آن است که این اخبار و فعالیت‌ها از نظر عبدالله محض دور نمانده است و در نهایت انکار ابراهیم امام درخصوص دریافت اموال خراسانیان و نیز به تأخیرانداختن تصمیم‌گیری شفاف درخصوص رهبری حرکت هاشمیان (در مجلسی که به دنبال نگرانی عبدالله محض از



فعالیت‌های مخفیانه عباسیان، پس از اتمام مناسک حج در مدینه برپا شده است)، موجبات پایان یافتن اتحاد شکننده حسنی - عباسی را فراهم آورده است.<sup>۱</sup>

## ۲. موسم حج و کوشش در جهت جذب حامیان بیشتر

علاوه بر آن‌که بسیاری از گزارش‌های پیشین درخصوص برگزاری نشست‌های مختلف در مکه یا مدینه در موسم حج را می‌توان در راستای بیعت‌گیری از حضار جدید و جذب حامیان بیشتر دانست، روایت یک‌های در کتاب «مالی» سید مرتضی وجود دارد که احتمالاً بر دوران پس از شکست اتحاد حسنی - عباسی در اوخر دوران امویان دلالت دارد. در این خبر آمده است که محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله محضر، از کسانی بودند که واصل، ایشان را به سوی قول و سخن همراه با عدل و توحید دعوت کرد و ایشان دعوت او را پذیرفتند. این دعوت زمانی بود که واصل به حج رفت و مردم مکه و مدینه را به خود دعوت کرد (شریف مرتضی، ۱۶۹/۱). پذیرش این دعوت از سوی فرزندان عبدالله مhydr، روشن می‌سازد که چگونه سادات حسنی نیز از موسم حج برای گسترش حامیان خود و اتحاد با رهبران جریان‌های فکری بهره می‌گرفته‌اند.

پس از سقوط امویان و انتقال قدرت به بنی عباس، روابط خلفای عباسی با سادات حسنی وارد مرحله‌ای تازه شد. ابوالعباس سفاح با دعوت بزرگان حسنی به انبار برای بیعت (مجھول المؤلف، العيون و الحدائق، ۲۳۲/۳)، بذل و بخشش فراوان به آنان و همراهان‌شان در هنگام بازگشت (ابن سعد، ۳۸۶/۵؛ نمیری، ۲۲۲) و رضایت‌دادن به بیعت محمد و ابراهیم از مدینه با او؛<sup>۲</sup> ضمن کوشش برای جلب نظر حسینیان، در

۱. در کتاب اخبار الدوله العباسیه آمده است که مروان پس از دریافت اخبار نشست مذکور، با این احتمال که چون عبدالله بزرگ آن خاندان است، در جلسه بر سر او توافق شده است، او را به نزد خود در حران فراخواند؛ اما عبدالله ضمن انکار این امر، اخباری را که در خصوص فعالیت ابراهیم امام دریافت کرده بود، به اطلاع مروان رسانید (۳۸۸-۳۸۹). به دنبال آن بود که مروان، ابراهیم امام را به حران فراخواند و نامه عبدالله بن حسن را به دست او داد. ابراهیم امام چون به آن نگاه کرد، خط عبدالله را شناخت و پس از مرور نامه، آن را تکذیب کرد و انجام حرکت‌های ضدحکومتی را به عبدالله بن حسن و فرزندش محمد نسبت داد. با این حال، مروان او را در زندان حبس نمود و ابراهیم پس از زمانی کوتاه در حبس مروان درگذشت (همو، ۳۹۴-۳۹۵).

۲. عبدالله بن حسن به همراه جمعی از اهل مدینه به نزد سفاح در انبار رفته و در آنجا با او بیعت کردنده



## ب) آغاز واگرایی عباسیان و حسینیان

اصرار بر حضور بزرگان دینی و اجتماعی در مکه و مشارکت در مناسک حج - که به گونه‌ای نشان پای‌بندی آنان به ارزش‌های دینی و فرصتی برای عرضه خویش به پیروانشان بوده - موجب می‌شد تا حسینیان به رغم ناسازگاری‌های سیاسی با دستگاه حاکمیت و وجود احتمال خطر، از آن نگذرند؛ امری که عباسیان به خوبی از آن آگاه بوده و با استفاده از فرصت‌ها، به طراحی برنامه‌هایی برای کنترل اوضاع می‌پرداختند.

(ابن عساکر، ۲۳۵/۲۹)؛ اما محمد و ابراهیم به نزد سفاح نرفتند. سفاح نیز رضایت داد که آنان از مدینه با او بیعت کنند (بالادری، ۳۰۸/۳).

- سفاح در ورای این دعوت برای بیعت، به دنبال فرسته‌هایی بود تا در خصوص محمد و ابراهیم از عبدالله سؤال کند؛ اما چون پاسخی مطلوب دریافت نکرد، او را متهم نمود که خود از آمدن فرزندانش جلوگیری کرده است (نک: ابن طقطقی، الاصیلی، ۱۲۱-۱۲۲). در نهایت نیز او با نشان دادن نامه محمد به عبدالله محض، که برای هشام بن عمرو بن بسطام تغلبی نوشته و او را به دعوت فراخوانده بود، آگاهی خود از فعالیت‌های پنهانی محمد را به پدرش گوشزد کرد (اصفهانی، الاغانی، ۲۱/۱۳۲).
- در ادامه به عملکرد منصور در مدینه در سال ۱۳۶ ه.ق که امارت حج را بر عهده داشت، اشاره شده است.

## ۱. کسب اطلاع از فعالیت حسینیان

بنابر گزارش‌های موجود در منابع، سفاح امارت حج را در سال ۱۳۶ ه.ق به برادرش منصور واگذار کرد. ابو جعفر به مدینه رفت و با بزرگان آن شهر دیدار نمود. در این دیدار، از عبدالله بن حسن درباره محمد و ابراهیم سؤال کرد. اظهار بی اطلاعی عبدالله از عملکرد آنها، پاسخی نبود که منصور را متقاعد نماید. ازین‌رو، صحبتش درباره آنان را از سر گرفت تا این‌که کلام‌شان به خشونت و تندي کشید. در فضای ایجادشده، زیادbin عبدالله حارثی، حاکم مدینه، با ضمانت دستگیرنmodن فرزندان عبدالله، وی را از خشم منصور و اطرافیانش رهانید و به این گفت‌وگو خاتمه داد (اصفهانی، مقاتل‌الطالبین، ۱۹۱؛ طبری، ۵۲۲/۷-۵۲۳).

استفاده از این شیوه خبرگیری، در دوران خلافت منصور عباسی نیز ادامه می‌یابد. طبری در اخبار وقایع سال ۱۳۸ ه.ق آورده است که منصور عباسی در این سال، فضل بن صالح بن علی را امیرالحاج کرد و به او سفارش نمود که اگر چشمش به محمد و ابراهیم، پسران عبدالله بن حسن افتاد، آنها را از نظر دور ندارد. با این حال، از او خواست که اگر آنها را ندید نیز در این خصوص پرسشی نکند. زمانی که فضل بن صالح به مدینه رسید، عبدالله بن حسن و دیگر فرزندانش - جز محمد و ابراهیم - به همراه دیگران به پیشواز او رفتند؛ اما او برخلاف توصیه خلیفه، درباره دلیل غیبت دو فرزند عبدالله سؤال کرد. عبدالله پرسش او را با این بیانات که نیامدنشان از روی بددلی و بدخواهی نبوده است، به شکار و تعقیب آن دل‌بسته‌اند و در خیر یا شر کسان خود نیز حضور پیدا نمی‌کنند (طبری، ۵۲۰/۷-۵۲۱)، پاسخ گفت و غیبت فرزندانش را توجیه کرد.

## ۲. مواجهه سخت با حسینیان؛ حبس، شکنجه و انتقال به کوفه

در فاصله زمانی آغاز خلافت منصور عباسی تا قیام محمدبن عبدالله و برادرش ابراهیم، منصور تمام کوشش خود را به کار برد تا از قیام این دو برادر جلوگیری کند. تغییر حاکمان مدینه، بهره‌گیری از جاسوسانی در کسوت‌های مختلف و ضبط اموال بخشیده شده به حسینیان، بخشی از سیاست‌های دومین خلیفه عباسی برای مقابله با حسینیان و ادعاهای آنها بود (نجفیان رضوی، حیات سیاسی حسینیان تا سال ۱۴۵ هجری، ۱۳۶-۱۶۱). نتیجه‌ندادن این اقدامات، باعث شد تا شخص خلیفه امارت حج را

در سال ۱۴۰۵ق بر عهده گیرد و در ضمن حج گزاری و دیدار با مدنیان، مترصد فرصتی باشد تا با دستگیری عبدالله محض، در رهبری و تدارک مقدمات قیام محمد و ابراهیم احتلال ایجاد کند؛ چراکه اخبار جاسوسان، او را به قطع رسانده بود که در رأس این حرکت، عبدالله بن حسن قرار دارد و آزادی عمل او با کوشش برای کترل و مهار فعالیت حسینیان متناقض است. در منابع متقدم، روایات گوناگونی از چگونگی دستگیرشدن عبدالله محض آمده است. برخی این امر را نتیجه روبه رو کردن عبدالله محض با جاسوس منصور در مجلسی در اوطاس (حموی، ۲۸۱/۱) - در راه مکه - خوانده‌اند (طبری، ۵۲۳/۷؛ اصفهانی، الاغانی، ۱۳۵/۲۱ و ۱۹۲). برخی نیز آن را حاصل مشاجرة منصور و عبدالله در ایام حج سال ۱۴۰۵ق دانسته‌اند (اصفهانی، همان، ۱۳۴؛ ابن‌کثیر، ۸۱/۱۰) و برخی دیگر این واقعه را به دیدار منصور با زیادبن عبدالله حارثی در مدینه، در ضمن حج سال ۱۴۰۵ق و بازخواست شدید خلیفه از او درخصوص عملکردش در قبال محمد و ابراهیم ارتباط داده‌اند. گروه اخیر معتقدند که ضمن این دیدار، منصور دستور زندانی کردن عبدالله محض را صادر کرده است (بلاذری، ۳۱۱/۳؛ مجھول المؤلف، العيون والحدائق، ۲۳۳/۳-۲۳۴).

صرف نظر از چگونگی این اقدام، مهم آن است که خلیفه عباسی از موسم حج به عنوان سرپوشی برای اقدام در دستگیری یکی از علویان بر جسته زمانه خود بهره برده و کوشیده است تا از این رهگذر، دشوارترین قیامی را مهار نماید که جذب حامیان آن، با زیر سوال بردن اساس مشروعیت و حقانیت عباسیان برای رهبری جامعه اسلامی همراه بوده است. علاوه بر آن، این اقدام منصور را می‌توان سرآغازی برای علنی شدن اختلاف‌های عباسیان و سادات حسنه دانست. با این حال، نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که دستگیری عبدالله محض و ایجاد احتلال در رهبری قیام حسینیان، سودی دو جانبه برای خلیفه عباسی در بر داشته است: یا از قیام فرزندان عبدالله محض جلوگیری کرده و ظهور و تسلیم شدن آنان را به دنبال داشت (آن‌چه که منصور به دنبال آن بود؟؛ و یا فشار ناشی از آن، قیامی پیش از موعد را باعث می‌شده که مقابله با آن سهول‌تر از قیامی سازمانداده شده بود و تمام اینها دستاوردهایی به شمار می‌رفت که در پناه موسم حج برای عباسیان به دست می‌آمد.



به نظر می‌رسد که ادامه تحرکات حسینیان پس از دستگیری عبدالله بن حسن و نگرانی منصور از مواجهه با قیامی جبران‌ناپذیر، باعث شده است که خلیفه دستور دستگیری سایر سادات حسنه مستقر در مدینه و برخی از حامیان آنها را نیز صادر کند و اقبال خویش برای ظهرور محمد و ابراهیم و تسليم‌شدن آنان در مقابل خواسته خود را بیازماید (طبری، ۵۳۶-۵۳۷)؛ اما چون این اعمال فشار نیز مؤثر واقع نمی‌شود، بار دیگر منصور عباسی خود امارت حج را در سال ۱۴۴ هـ. ق بر عهده می‌گیرد و پس از پایان مراسم حج - بدون ورود به مدینه و با حضور در ربذه (حموی، ۲۴/۳) - از ریاح بن عثمان، حاکم مدینه، می‌خواهد تا حسینیان و برخی از حامیان آنها را به نزد او ببرد (سبط بن جوزی، ۱۹۸). منابع به طور مبسوط به شدت عمل منصور عباسی با حسینیان و حامیان آنها در ربذه و چگونگی انتقال حسینیان به کوفه و زندان هاشمیه اشاره کرده‌اند (طبری، ۵۴۱-۵۵۱؛ مسعودی، ۲۹۸/۳-۲۹۹). مطالعه گزارش‌های موجود، این امر را در ذهن خواننده متباذر می‌سازد که منصور با عهده‌داری حج در این سال، سختگیری فراوان بر حسینیان و حتی حامیان آنها در ربذه و انتقال سادات حسنه و برخی از نزدیکان آنها در شرایطی نامطلوب به کوفه، به دنبال آن بوده است که نتیجهٔ حمایت از قیام فرزندان عبدالله محض را به مدنیان و مردم قبایل اطراف آن گوشزد نماید. ضمن آن‌که این اقدامات می‌تواند این مضمون را نیز در خود داشته باشد که خلیفه عباسی هنوز به ظهرور محمد و ابراهیم در پس این اعمال فشارها، امیدوار بوده و اهداف سیاسی خود را از این حج گزاری دنبال می‌کرده است.

### ۳. بهره‌گیری از عنصر تطمیع رهبر حسینیان

با توجه به جایگاه حسینیان در میان مردم و آگاهی افراد زیادی از بیعت منصور عباسی با محمد بن عبدالله در دوران بنی‌امیه، به نظر می‌رسد که کم‌هزینه‌ترین راه برای منصور، کوشش در جهت جلب نظر حسینیان و تطمیع آنها با وعده امان و برخورداری سیاسی - اقتصادی بوده است. کارآمدی این شیوه و تأثیرگزاری بیشتر این پیشنهاد به بودن رهبران این دو رقیب کهن (منصور و عبدالله محض) در کنار یک‌دیگر وابسته بوده و بی‌شک بهترین فرصت برای این نزدیکی ایام حج بوده است.<sup>۱</sup> در این خصوص

۱. منصور عباسی پیش از بهره‌گیری از شیوه ملاقات مستقیم در ایام حج، از مکاتبه نیز برای تطمیع عبدالله محض

◀

می‌توان به بخشی از گزارش اصفهانی درخصوص ملاقات عبد الله محض و منصور در ضمن حج سال ۱۴۰ هـ اشاره کرد. در این گزارش آمده است: زمانی که منصور در راه مکه در اوطاس، به همراه عبد الله بن حسن و ابوالکرام و جمعی از بنی عباس غذا می‌خورد، عبد الله را مخاطب قرار داد و به او گفت که ای ابا محمد! می‌بینم که محمد و ابراهیم از من دوری می‌کنند؛ دوست دارم با من مأнос باشند و پیش من آیند تا به آنها پاداش دهم و با آنها ارتباط برقرار کنم. در ادامه روایت آمده است که عبد الله سکوتی طولانی نمود و سپس در پاسخ به منصور سوگند یاد کرد که از آنها و محل اختفای شان اطلاعی ندارد (اصفهانی، الاغانی، ۱۳۵/۲۱).

علاوه بر آن، درخصوص بهره‌گیری خلیفه عباسی از این شیوه، می‌توان به این خبر موجود در منابع استناد کرد: هنگامی که منصور در سال ۱۴۴ هـ عازم حج شد، به مدینه نرفت؛ اما نمایندگانی را از سوی خود برای مذاکره به نزد عبد الله محض فرستاد. اگرچه منابع به متن مفصل گفت و گوهای میان عبد الله و نمایندگان، که در جمع آنها عیسی بن موسی نیز حضور داشته، اشاره‌ای نکرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که منصور می‌کوشیده است تا پیش از آشکارنمودن شدت عمل خود درخصوص حسینیان، با فراخوانی آنها به ربذه و انتقال آنان به زندان هاشمیه، اقبال خود را برای همسو کردن عبد الله با اهداف خود بیازماید؛ چراکه در بخشی از این خبر آمده است که منصور توسط نمایندگان اعزامی خود از عبد الله خواست که فرزندش را آشکار کند و در مقابل، هر میثاق و عهدی که می‌خواهد از خلیفه بگیرد. بنابراین، مذاکره‌کنندگان با پیشنهادی طمع‌برانگیز به سوی رهبر حرکت سادات حسینی گسیل شده‌اند و منصور با دل‌بستن به نتیجه آن ملاقات، تصمیم نهایی خود درباره حسینیان را تا بازگشت از حج به تأخیر انداخته است. تدبیری که با درخواست ملاقات و گفت و گوی عبد الله محض با خلیفه و مشروط شدن آن به ظهور و تسلیم شدن محمد و ابراهیم از سوی منصور، بی‌ثمر گشت.

(بلذری، ۳۱۶/۳؛ ابن‌اثیر، ۵۲۳/۵-۵۲۴)

---

یاری جست. نرم خوبی او تا بدانجا بود که عبد الله درخصوص ظهور و بردن فرزندانش به نزد منصور با عمومی او، سلیمان بن علی مشورت کرد (نک: ابن‌اثیر، ۵۱۴/۵؛ برای اطلاع از متن نامه‌ها، نک: ابن‌عبدربه، ۷۷-۷۵/۵).

## ۷. ناسازگاری حسینیان؛ همگرایی در ظاهر، واگرایی در عمل

با مروری بر مناسبات حسینیان و عباسیان در دوره قدرت بنی عباس، می‌توان دریافت که روابط این دو گروه مدعی خلافت به تدریج تیره شده و تا بدانجا پیش رفته است که تعداد قابل توجهی از بزرگان حسینی در حبس منصور درگذشته‌اند. با توجه به روابط مسالمت‌آمیز حسینیان با خاندان عباسی در آغاز قدرت یابی بنی عباس، مخفی‌بودن محمد و ابراهیم و دستگیرشدن عبدالله محض در سال‌های آغازین حکومت منصور عباسی، اطلاعات اندکی از نحوه بهره‌گیری این گروه از علویان از موسوم حج، در سیر سیاست‌گزاری آنها برای قیام وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

در منابع، به امیرالحجی داوودبن‌علی در نخستین سال قدرت یابی عباسیان (۱۳۲ ه.ق) اشاره شده است (خلیفه‌بن خیاط، ۲۶۸)؛ اما ابن‌ابی‌الحدید به دنبال این خبر، آورده است که عبدالله‌بن‌حسن، حسن مثلث و محمدبن‌عبدالله عثمانی، برادر مادری عبدالله محض، داوودبن‌علی را در بازگشت از مکه به مدینه همراهی می‌کردند (ابن‌ابی‌الحدید، ۹۷/۷). ادامه روایت ابن‌ابی‌الحدید، مدنظر پژوهش حاضر نیست؛ اما بخش نخستین آن آشکار می‌سازد که حسینیان می‌کوشیده‌اند پس از انتقال قدرت به عباسیان، سرسپردگی ظاهری خود به حاکمان جدید و تبعیت از آنها را برجسته سازند و همراهی با امیرالحج متنخب خلیفه، یکی از این راه‌ها بوده است. این تبعیت ظاهری حتی در سال‌های بعد نیز ادامه می‌یابد، چنان‌که برخی منابع - همان‌طورکه پیشتر اشاره شد - مشاجرة منصور با عبدالله محض را که به دستگیری عبدالله منجر شد، ضمن همراهی او با منصور عباسی در حج سال ۱۴۰ ه.ق دانسته‌اند (طبری، ۵۲۳/۷-۵۲۵؛ اصفهانی، الاغانی، ۱۳۵/۲۱ و ۱۹۲).

شاید نتوان به صورت مستقیم خبر موجود در منابع درخصوص اتفاق یاران محمد نفس زکیه برای ترور منصور عباسی را در ضمن انجام مناسک حج در سال ۱۴۰ ه.ق در میان شیوه‌های بهره‌گیری حسینیان از موسوم حج قرار داد؛<sup>۱</sup> اما مروری بر این خبر،

۱. طبری نقل کرده است که در سال ۱۴۰ ه.ق، منصور عباسی به حج رفت. در آن سال محمد و ابراهیم نیز به حج آمدند. جمعی از یاران محمد به سرکردگی عبدالله‌بن‌محمد اشتر بر آن شدند که ابو‌جعفر را غافلگیر کرده و پکشند؛ اما محمد کشتن او را به تغافل و بدون دعوت به سوی خود روانداشت. بنابراین، آنچه بر آن اتفاق





### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر حاکی از آن است که عباسیان و سادات حسنی خواهان قدرت نیز مانند دیگر گروه‌های فعال سیاسی، از موسم حج به عنوان فرصتی برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌گرفته‌اند. درخصوص جایگاه حج در مناسبات این دو رقیب کهن، می‌توان از دو بخش مجزا از یکدیگر نام برد: دوره اموی، که با اتحاد شکننده حسنی- عباسی در موسم حج آغاز می‌شود و تا انفال و بدگویی رهبر هریک از این دو گروه (ابراهیم امام و عبدالله محضر) و اشای اعمال ضدحکومتی دیگری، با توجه به رخدادهای موسم حج سال ۱۲۹ ه.ق پیش می‌رود؛ اما در همین ایام و اندکی پس از آن تا پایان دوره اموی، هریک از طرفین از این فرصت برای اطلاع از وضعیت گروندگان به دعوت، دریافت هدایای هوداران و جذب حامیان نیز استفاده می‌برند.

در دوره عباسی، با توجه به قدرت یابی عباسیان و بهره‌گیری آنها از تمام امکانات موجود در جهت کنترل و حذف رقیب، موسم حج به فرصتی برای خبرگیری از فعالیت سادات حسنی، دستگیری رهبر و دیگر بزرگان مؤثر در این حرکت، کوشش برای تطمیع حسنیان و همراه‌سازی آنها با حاکمیت تبدیل می‌شود. در نهایت نیز انتقال سادات حسنی و حامیان مؤثر آنها به کوفه و زندان هاشمیه و اعمال فشار حداقلی بر محمد و ابراهیم، اتفاقی است که ضمن حج گزاری منصور عباسی در سال ۱۴۴ ه.ق رقم می‌خورد؛ اما حسنیان در ابتدای این دوره می‌کوشند تا در ظاهر، تابعیت حداقلی خود

را از خلفای عباسی اعلام دارند که این امر در همراهی آنها در حج سال ۱۳۲ و ۱۴۰ ه.ق متلور می‌شود. اگرچه اقدام منصور عباسی در دستگیری عبدالله محض ضمن گذر او از مدینه برای حجگزاری در سال ۱۴۰ ه.ق، نقشهٔ ترور خلیفه را توسط حامیان محمدبن عبدالله در حین انجام مناسک حج رقم می‌زند؛ اما در نهایت باور محمد به لزوم دعوت منصور به خود، او را از حذفی فیزیکی از سوی هادارانِ رقیبی برجسته، رهایی می‌بخشد.

## مفاتیح

- ابن ابیالحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.
- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹.
- ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقدار عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن طقطقی، محمدبنعلی بن طباطبا، الاصلی فی انساب الطالبین، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۸ق.
- ابن طقطقی، محمدبنعلی بن طباطبا، الفخری فی آداب السلطانیه و الدویل الاسلامیه، بی جا: شریف رضی، ۱۴۱۴ق.
- ابن عبدربه، عقد الغرید، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۹ق.
- ابن عساکر، تاریخ دمشق، تحقیق علی عاشور الجنوی، بیروت: دار احیاء التراث العربي، ۲۰۰۱م.
- ابن عنبه، عمدہ الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم: انتشارات الرضی، ۱۳۶۲ش.
- ابن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابوالعباس حسنی، احمدبن ابراهیم، المصایب، عمان: موسسه امام زیدبن علی الثقافیه، ۱۴۲۲ق.
- ازدی، یزیدبن محمد، تاریخ موصل، تحقیق علی حبیبی، قاهره: بی نا، ۱۹۶۷م.
- اصفهانی، ابوالفرج، الاغانی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- اصفهانی، ابوالفرج، مقالل الطالبین، تحقیق احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
- الهمیزاده، محمدحسن، جنبش حسنیان، ماهیت فکری و تکاپوهای سیاسی، قم: شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵ش.
- بلاذری، احمدبن یحیی، انساب الاصراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- حسن، ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰ش.



- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
- خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه بن خیاط، تحقیق فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- راوندی، قطب الدین، *الخرائج و الجرائح*، تحقیق مؤسسه امام مهدی ع، قم: مؤسسه امام مهدی ع، بی تا.
- ساعدی، محمدبن حسین، *الحسنیون فی التاریخ*، نجف: انتشارات نجف، ۱۹۵۶م.
- سبطبن جوزی، تذکره *الخواص*، بیروت: انتشارات مؤسسه اهل بیت ع، ۱۴۰۱ق.
- شامی، فضیلت، تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری، ترجمه سیدمحمد ثقی، علی اکبر مهدی پور، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷ش.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، امالی مرتضی (*غیر الفوائد و درر القلائد*)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالفنون، ۱۹۹۸م.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الرسل و الملوك*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارال المعارف، بی تا.
- عبداللهبن علی، المستناد، *العلویون و العباسیون و دعوه آل الیت*، قاهره: دارالمنار، ۱۹۹۱م.
- عمر فوزی، فاروق، *العباسیون الاولیاء*، بغداد: مطبقه جامعه بغداد، ۱۹۷۷م.
- الغریری (الغروای)، سامی، الزریلیه بین امامیه و اهل سنه، بی جا: دارالکتاب الاسلامی، ۲۰۰۶م.
- مجھول المؤلف، *اخبار الدوّله العباسیه*، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطیبعه، ۱۹۷۱م.
- مجھول المؤلف، *العيون و الحدائق فی اخبار الحقایق*، بغداد: مکتب المثنی، بی تا.
- مسکویه رازی، ابوعلی، *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: دارسروش، ۱۳۷۹ش.
- مسعودی، علی بن حسین، *مرrog الذهب و معادن الجوهر*، بیروت: دار اندرس، بی تا.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ارشاد، تحقیق مؤسسه آل بیت لتحقیق التراث، قم: المؤتمـر العالمـی لـلـفـیـه شـیـخـ المـفـیدـ، ۱۴۱۳ق.
- نجفیان رضوی، لیلا، «بررسی چگونگی مناسبات حسینیان و امامان شیعه ع تا سال ۱۴۵ هجری قمری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش ۱۶، سال ۵، بهار ۱۳۹۲.



- نجفیان رضوی، لیلا، *حیات سیاسی حسنیان تا سال ۱۴۵ هجری*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۴ ش.
- النجم، مهدی عبدالحسین، *ثورات العلویین و اثرهای فی نشو المذاہب الاسلامیه*، بی‌جا: مؤسسه بلاغ، ۲۰۰۲م.
- نمیری، عمر بن شبه، *تاریخ المدینه المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، بیروت: دار التراث، ۱۴۱۰ق.
- الوجیه، عبدالسلام بن عباس، *اعلام المؤلفین الزیدیه*، عمان: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۰ق.